ساز کار نظام آموزشی در فرانسه

**تا قبل از سال ۱۹۵۹ (تحصیل اجباری تا ۱۴ سالگی)**

تا قبل از اصلاحاتی که در جمهوری پنجم صورت گرفت، دانش آموزان مسیر تحصیلی خود را پس از دوران ابتدایی انتخاب می‌کردند. برای ورود به مدارس راهنمایی و به دنبال آن دبیرستان، چه در رشته‌های عمومی و چه فنی-حرفه ای، آزمون برگزار می‌شد و دانش آموزان باید در رقابت شرکت می‌کردند. دانش آموزان این امکان را نیز داشتند که پس از پایان مدرسه‌ی ابتدایی، در دوره‌های تکمیلی شرکت کنند و مدرک تحصیلات تکمیلی ابتدایی به دست آورند. بهترین دانش آموزان در این دوره‌ها این توانایی را به دست می‌آوردند که در دوره‌های علمی دبیرستان‌ها شرکت کنند. دانش‌آموزانی که در دوره‌های تکمیلی موفقیت کسب نمی‌کردند و نمی‌توانستند مدرک بگیرند، می‌توانستند تا پایان سن ۱۴ سالگی در مدارس باقی‌مانده و خود را برای شرکت مجدد در آزمون مهیا سازند. پس‌ازاین دوران، گروهی از این دانش آموزان می‌توانستند در چارچوب آموزش در مدرسه، پس از پایان دوران تحصیل اجباری خود، دوران آموزشی حرفه‌ای را در مدارس طی کنند.

این مسئله شایان‌ذکر است که در این دوره، تنها کمتر از نیمی از دانش آموزان فرانسوی تحصیلات خود را پس از دوره‌ی تحصیل اجباری ادامه می‌دادند.

**دوران پس از اصلاحات سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۶۳**

**(تحصیل اجباری تا ۱۶ سالگی)**

اصلاحاتی که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ صورت گرفت، قدمی میانی به سمت دوران راهنمایی هماهنگ کشوری بود. پس از افزایش سن تحصیل اجباری تا ۱۶ سالگی، دوره‌های آموزشی مکمل دوران ابتدایی تبدیل شد به آموزش عمومی دوره‌ی راهنمایی. باگذشت زمان، نظام آموزشی فرانسه راه خود را به‌سوی دوره‌ی راهنمایی هماهنگ کشوری هموار کرد. در همین زمان، مراکز آموزشی‌ای که به آموزش فنی-حرفه ای مشغول بودند به زیرمجموعه‌ی یک‌نهاد یعنی دبیرستان فنی-حرفه ای تبدیل شدند.

**دوران پس از اصلاحات بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵**

از سال ۱۹۷۵ به بعد، تمامی دوره‌های آموزشی‌ای که به‌عنوان مکمل دوران ابتدایی در نظر گرفته می‌شدند در دوران راهنمایی گرد آمدند. از سال ۱۹۸۵ به بعد، مراکز آموزشی فنی-حرفه ای که نامشان ابتدا دبیرستان آموزش حرفه‌ای و پس‌ازآن دبیرستان حرفه‌ای بود، تنها دانش‌آموزانی را جذب می‌کردند که دوران راهنمایی را به پایان رسانده بودند و پس از پایان دوران دبیرستان، به ایشان مدرک حرفه‌ای اعطا می‌کردند. در همین دوران، مراکز آموزشی فنی به‌طور واحد به شاخه‌هایی از دبیرستان‌های عمومی تبدیل شدند. در بادی امر، مطابق قوانین دانش‌آموزانی که دیپلم فنی-حرفه ای دریافت می‌کردند، اجازه نداشتند وارد دوران تحصیلات دانشگاهی شوند. امروزه اما بسیاری از کسانی که درگذشته این مدرک را اخذ کرده‌اند، سعی می‌کنند تا وارد دوره‌های عالی فنی-حرفه ای و یا دانشگاه شوند. وانگهی، باید به این مسئله اشاره کرد که ازآنجایی‌که در فرانسه مسئولیت آموزش فنی-حرفه ای در برخی مناطق بر عهده‌ی مراکز صنعتی است، بسیاری از ایشان پس از پایان دوران تحصیل، به‌طور مستقیم در همین مراکز مشغول به کار می‌شوند.

همان‌طور که مشاهده شد، بزرگ‌ترین تحول نظام آموزشی فرانسه این است که در طول مدت بیست سال، انتخاب دانش آموزان برای ورود به گرایش‌های مختلف تحصیلی، از پایان دوران ابتدایی موکول شد به دوره‌ی راهنمایی.

تغییراتی که در نظام آموزشی فرانسه در طول سال‌های اخیر صورت گرفته، سبب شده تا تعداد دانش آموزان و معلمان به طرز قابل‌توجهی افزایش پیدا کند.[[1]](#footnote-1)

در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵، تعداد افرادی که در یک گروه سنی مدرک دیپلم دارند دو برابر شده و از ۳۰ درصد به ۶۲ درصد رسید. از سال ۱۹۹۵ به بعد اما این آمار به میزان ثابتی رسیده است.

از میان ۶۱٫۷ درصد دارندگان مدرک دیپلم در ۱ رده‌ی سنی مشخص در سال ۲۰۰۴:

* ۳۲٫۴ درصد ایشان دیپلم عمومی دارند.
* ۱۱٫۵ درصد دیپلم حرفه‌ای
* و درنهایت ۱۷٫۸ درصد دیپلم فناوری

نظام دانشگاهی

مدیریت، شورای اداری، شورای علمی، شورای مطالعه وزندگی دانشگاهی، گروه‌های تحقیقی-آموزشی... نقش هر کنشگر در نظام دانشگاهی فرانسه چیست؟

**سه شورای اصلی**

سه شورای اصلی در نظام دانشگا‌هی فرانسه نقش‌آفرینی می‌کنند. اعضای این شوراها را نمایندگان محققان و استادان دانشگاه‌های مختلف، دانشجویان برگزیده‌ی مراکز آموزشی- تحقیقی[[2]](#footnote-2) و درنهایت نمایندگان بخش اداری تشکیل می دهند. شخصیت‌های خارج دانشگاهی نیز البته در شوراها حضور دارند.

**شورای علمی[[3]](#footnote-3)**

این شورا نقش مشاوره را ایفا کرده و به شورای اداری در تبیین موضوعات تحقیق کمک می‌کند. شورای علمی مسئول کنترل مدارس پزشکی و نیز سیاست‌هایی است که در نحوه‌ی انتشار نتایج تحقیقات به‌کاربرده می‌شود.

شورای مطالعه وزندگی دانشگاهی[[4]](#footnote-4)

وظیفه‌ی این شورا مشاور دادن به شورای اداری در مورد جهت‌گیری‌های آموزشی و نیز رشته‌های جدیدی که در شورای علمی تصویب می‌شود است. این شورا همچنین وظیفه‌ی بهبود شرایط دانشجویان را بر عهده دارد. (جهت‌گیری تحصیلی، زندگی فرهنگی، فعالیت‌های ورزشی و...)

**شورای اداری[[5]](#footnote-5)**

نهاد اصلی تصمیم‌گیری در نظام دانشگاهی فرانسه محسوب شده و سیاست‌های کلی دانشگاه‌ها را تعیین می‌کند. همچنین وظیفه‌ی رأی دادن به بودجه‌ها و نیز کنترل کنوانسیون‌های امضاشده با نهادهای خارجی را بر عهده دارد.

**شوراهای تحقیقی- آموزشی**

این شورا در اصل وظیفه‌ی بررسی دقیق موضوعاتی که قرار است روی آن‌ها تحقیق شود و در صورت نیاز تغییر و یا بهبود آن‌ها را بر عهده دارد. همچنین به سه شورای اصلی نیز مشاوره می‌دهد.

**گروه‌های تحقیقاتی**

گروه‌های تحقیقاتی اکثر مواقع وابسته به شورای تحقیق و آموزش و یا دپارتمان موضوعی که در مورد آن تحقیق می‌کنند هستند. بااین‌وجود در طول سال‌های گذشته، وزارتخانه تصمیم گرفته تا گروه‌های تحقیقاتی تا حدی به‌صورت فدرال و درنتیجه مستقل‌تر از گذشته عمل کنند.

**سرویس‌های اداری**

سرویس‌های مالی و حسابداری، کارمندان و نیز نهاد مسئول بازرسی سالانه‌ی دانشگاه‌ها و نیز بورسیه‌های تحصیلی زیرمجموعه‌ی سرویس‌های اداری محسوب می‌شوند. گروه‌های تحقیقاتی-آموزشی معمول سرویس‌های اداری منحصر به خود رادارند.

**رئیس دانشگاه**

رئیس هر دانشگاه در فرانسه، محقق و استاد عالی‌رتبه‌ای است که برای مدت ۵ سال و به‌واسطه‌ی رأی‌گیری از اعضای هر سه شورا انتخاب می‌شود. قدرت رؤسای دانشگاه‌ها در طول سال‌های گذشته به‌طور قابل‌توجهی افزایش پیداکرده است. در حال حاضر رئیس دانشگاه بر هزینه‌ها (دخل‌وخرج)، کارکنان و نحوه‌ی اجرای صحیح خدمات عمومی در دانشگاه نظارت می‌کند.

**سرویس‌های عمومی**

خدماتی هستند که در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرند، برای مثال کتابخانه‌ها و مرکز اسناد، شورای عمومی آموزش و جهت‌گیری[[6]](#footnote-6) و ...

**سرمایه‌گذاری**

دانشگاه‌ها در فرانسه دو منبع اصلی درامد دارند: پولی که دانشجویان پرداخت می‌کنند و نیز بودجه‌ای که از وزارت خانه دریافت می‌شود که بدون در نظر گرفتن حقوق کارکنان، ۸۰ درصد بودجه‌ی یک دانشگاه را تشکیل می‌دهد.

شورای اداری وظیفه‌ی تبیین و تقسیم بودجه را بر عهده دارد. هر دانشگاه موظف است هر ۴ سال یک‌بار برنامه‌ای کلی به وزارت خانه ارائه دهد و جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های اصلی خود را مشخص کند. سپس بر مبنای برنامه‌ی ارائه‌شده مذاکرات لازم از طرف دانشگاه با وزارت خانه صورت می‌گیرد و طی قراردادی ۴ ساله، بودجه‌ای کلی برای مهم‌ترین برنامه‌های دانشگاه اختصاص داده می‌شود. برای مثال، درصورتی‌که دانشگاه پیشنهاد پروژه‌ی اطلاعاتی گسترده‌ای را بدهد، به‌احتمال‌زیاد وزارت خانه بودجه‌ی کافی برای خرید کامپیوتر و سایر ابزار موردنیاز به آن اختصاص می‌دهد.

1. Massification [↑](#footnote-ref-1)
2. Unités de formation et de recherche (UFR) [↑](#footnote-ref-2)
3. Le conseil scientifique (CS) [↑](#footnote-ref-3)
4. Le conseil des études et de la vie universitaire (Cévu) [↑](#footnote-ref-4)
5. Le conseil d’administration (CA) [↑](#footnote-ref-5)
6. le service commun d’information et d’orientation (SCIO) [↑](#footnote-ref-6)